



سیر تطور و شکل گیری مفهوم آزادی بیان در حقوق بین الملل

اگر چه آزادی بیان صراحتاً در منشور ملل متحد ذکر نشده است ولی اهمیت این نوع آزادی از بدو شکل گیری سازمان ملل متحد، مورد توجه بوده است. بحثهایی که در کنفرانس سانفرانسیسکو در این ارتباط صورت پذیرفته بود حاکی از اهمیت برجسته این حق، از بین سایر حقوق اساسی بشر می باشد. (۱)

در قطعنامه sg(1) ، مجمع عمومی در نخستین اجلاسش در سال ۱۹۴۶ اعلام نمود که آزادی بیان جزئی از حقوق اساسی بشر و سر منشاء تمامی حقوقی است که سازمان ملل متحد بر آن تکیه نموده است. (۲) بعلاوه مجمع عمومی از شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) خواست تا کنفرانسی در این زمینه برگزار نماید.

کنفرانس مزبور از تاریخ ۲۳ مارس تا ۲۱ آوریل تشکیل گردید و پیش نویس سه کنوانسیون ارائه گردید: ۱. کنوانسیونی در زمینه جمع آوری و انتقال اطلاعات، ۲. در زمینه ایجاد یک حق بین المللی ویرایش، ۳. آزادی اطلاعات.

در دهه های بعد از میان این کنوانسیونها، تنها کنوانسیون حق بین المللی ویرایش to correction Right لازم الاجرا گردید و از آن جایی که نهادهای سازمان ملل، در خصوص آزادی بیان و محدودیتهای آن اختلاف نظر اساسی داشتند، آزادی اطلاعات (به عنوان قسمی آزادی بیان) مورد توافق واقع نشد و تنها به عنوان برنامه مجمع عمومی برای سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۰ معرفی شد اما

آزادی بیان در نظام بین المللی حقوق بشر

ایرج رضایی نژاد

اگر همه مردم جهان به جز یکی، یک عقیده داشتند و فقط یک نفر عقیده مخالف می داشت همه مردم جهان، به همان درجه حق نداشتند آن یک نفر را خاموش کنند که آن یک نفر اگر قدرت در دست او می افتاد، حق نداشت همه مردم جهان را خاموش کند. (در آزادی، جان استوارت میل)

فقدان قانونی خاص در زمینه آزادی بیان، عدم شکل گیری رویه قضایی در این خصوص و روشن نبودن مفهوم دقیق این حق در حقوق ایران ما را بر آن داشت تا با توسل به اسناد بین المللی حقوق بشر و در پرتو رویه قضایی بین المللی، استانداردهای موجود در این خصوص را استخراج و با اتکا بر آن جایگاه واقعی و مفهوم حقیقی آن را تدقیق نماییم.

منجر به نتایج قطعی نگردید.

مزبور می خوانیم: "الف) هر کس دارای حق آزادی بیان می باشد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه، بدون مداخله مقامات دولتی و بدون توجه به ملاحظات مرزی می باشد. این امر مانع از آن نیست که دولتها کسب مجوز را برای خبرگزاریها، تلویزیون و شرکتهای سینمایی، الزامی نمایند. ب) اعمال این آزادیها، از آنجایی که اجرای آن توأم با تکالیف و مسؤولیتهایی است، ممکن است مشروط به تشریفات، شرایط و محدودیتهای یا مجازاتی شوند که قانونی باشد و در چارچوب یک جامعه مردم سالار به نفع امنیت ملی، تمامیت سرزمینی یا رفاه عمومی، جهت ممانعت از بی نظمی، جرم و برای حمایت از بهداشت یا اخلاق و بی طرفی قوه قضائیه، ضرورت داشته باشد."

مهمترین سند و اولین سند که به صراحت حق آزادی بیان را رسمیت بخشید، اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشد. اعلامیه مزبور در ماده ۱۹ به خوبی حق آزادی بیان را مورد حمایت قرار داده و بر حق مطلق داشتن عقیده بدون هیچگونه بیم و هراسی و حق ابراز آن به طرق مختلف و بدون توجه به مرز تاکید می ورزد: "هر کس از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار می باشد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در رساندن و انتشار آن، به تمامی و سایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد."

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، سند مهم دیگری است که متعاقباً بر حق مزبور تأکید و به طور جامعی آن را اعلام می نماید. در ماده ۱۰ کنوانسیون

بعد از کنوانسیون مذکور، سند مهم دیگری که بدین حق پرداخته، می توان به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره نموده. ماده ۱۹ میثاق مزبور ابراز می دارد: "هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچگونه مداخله ای برخوردار می باشد. این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه ها از هر نوع، خواه شفاهی، کتبی، چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر فارغ از ملاحظات مرزی می باشد." در اسناد منطقه ای علاوه بر کنوانسیون اروپایی که بدان اشاره شد، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حق بشر و ملتها نیز چنین حقی را به رسمیت شناختند.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ذیل عنوان آزادی فکر و بیان مقرر می دارد: "۱. هر کسی از حق آزادی فکر و بیان برخوردار می باشد، این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع بدون توجه به محدوده مرزی، چه به صورت شفاهی، نوشتاری، چاپی، به شکل هنر یا به هر وسیله دیگر به انتخاب افراد می باشد. ۲. اعمال حقوق مصرح در بند قبل، ناپستی مشروط به سانسور ابتدائی گردد بلکه بایستی مشروط به تحمیل الزامات متعاقب گردد که صریحاً به وسیله قانون پیش بینی شده و تا حدودی برای تضمین الف) احترام به حقوق و حیثیت دیگران، ب) حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا رفاه همگانی و اخلاق ضرورت داشته باشد. ۳. حق آزادی بیان ناپستی با روشها و ابزارهای غیرمستقیم نظیر سوءاستفاده حکومت یا کنترلهای خصوصی بر روزنامه، رادیو، نوسان امواج رادیویی یا تجهیزات استفاده شده در اشاعه اطلاعات یا به

هر وسیله دیگر برای منع ارتباطات و جریان آزاد اطلاعات و اندیشه ها، ممنوع گردد. ۴. علیرغم مقررات بند دوم، تفریحات عمومی ممکن است به وسیله قانون مشروط به سانسورهای ابتدائی تنها به منظور حفظ و حمایت از اخلاق کودکان و نوجوانان در دسترسی به آنها گردد. ۵. هرگونه تبلیغ برای جنگ و هر نوع حمایت از ملیت، نژاد و تنفر مذهبی که منجر به ترغیب به خشونت غیرقانونی یا هر نوع عمل غیرقانونی مشابه بر ضد هر شخص یا گروهی از اشخاص اعم از جنس آنها، رنگ، مذهب، زبان یا اصالت ملی گردد، بایستی به عنوان جرم قابل مجازات به وسیله قانون تلقی گردد.

در منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها و در ماده ۹ آن آمده است: ۱. هر شخصی بایستی حق دریافت اطلاعات را داشته باشد. ۲. هر شخصی بایستی حق بیان و اشاعه عقایدش در چارچوب قانون را داشته باشد.

در بسیاری از اسناد دیگر چه به صراحت و چه به طور ضمنی به این حق اشاره شده است که در این جا، ذکر همه آنها مقدور نبوده و تنها متون اسناد مهم نقل گردید.

با بررسی اسناد فوق الذکر، در می یابیم که آزادی بیان صرفاً به معنای خاص آن یعنی آزادی سخن گفتن "Freedom of Speech" به کار نرفته بلکه مصادیق گوناگونی را تحت الشمول دارد و به عبارت دیگر در معنای اعم آن یعنی "expression of Freedom of" به کار رفته است.

بنابراین، ابتدا مصادیق آزادی بیان در معنای اعم آن اجمالاً بررسی و سپس موازین محدود کننده آن و در نهایت اصول حاکم بر اعمال محدودیتها را تدقیق می نماییم.

مصادیق و جلوه های آزادی بیان در نظام بین المللی حقوق بشر

همان طور که پیشتر ذکر شد، آزادی بیان صرفاً منحصر به آزادی سخن گفتن و سخنرانی نمی شود بلکه به صور مختلف جلوه گر می شود. "بیان" عبارتست از بروز تبلور اندیشه ها، تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن. این گونه تبلور مکنونات ذهنی انسان می تواند به شکل نوشتن، هنر، سخنرانی کردن و... تجلی یابد و در پرتو اسناد بین المللی و رویه قضایی بین المللی سعی شده است، مصادیق

مزبور بر دو گونه اند: ۱. استثنائات کلی مربوط به آزادی بیان، ۲. استثنائات خاص.

استثنائات خاص صرفاً مربوط به دسترسی به اطلاعات می باشند و قابلیت تسری به سایر اقسام آزادی بیان را ندارند. این استثنائات که در اصل دوازده و سیزده اصول ژوهانسبورگ پیش بینی شده است، عبارتند از: "الف) یک کشور نمی تواند دسترسی به همه اطلاعات مربوط به امنیت ملی را ممنوع نماید اما بایستی، منع دسته های محدودی از اطلاعات که افشای آن به منافع مشروع ملی

اگر چه آزادی بیان صراحتاً در منشور ملل متحد نگرین شده

است ولی اهمیت این نوع آزادی از بدو شکل گیری سازمان

ملل متحد، مورد توجه بوده است. بحثهایی که در کنفرانس

سائفرانسیسکو در این ارتباط صورت پذیرفته بود حاکی

از اهمیت برجسته این حق، از بین سایر حقوق اساسی

بشر می باشد.

مهم و اصلی آن آشکار گردد.

الف) حق دسترسی به اطلاعات

دسترسی به اطلاعات اعم است از "جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات" که هم در اسناد و هم در رویه قضایی بین المللی بر آن تاکید و به عنوان جزء لاینفک آزادی بیان پذیرفته شده است. این حق مشتمل بر دسترسی به انواع اطلاعات، نظیر اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، محیط زیستی و حتی اطلاعات مربوط به سیستم نظامی می باشد. نکته قابل در این خصوص این است که این قسم آزادی بیان مطلق نمی باشد و استثنائاتی بر آن وارد است. استثنائات

دسترسی به آن و حقوق و تکالیف مربوط به آن، مطرح می گردد.

گزارشگر ویژه آزادی بیان در گزارش سال ۱۹۹۸ در این خصوص ابراز می دارد: "تکنولوژیهای جدید بویژه اینترنت ذاتاً دمکرات می باشد و افراد را قادر به دسترسی به منابع اطلاعاتی و شرکت در فرایند ارتباط جهانی می سازد." (۴)

وی همچنین در گزارش سال ۱۹۹۹ خود اعلام می دارد: "بدیهی است که اینترنت وسیله بسیار مهم در آموزش حقوق بشر می باشد و در آگاه سازی گسترده استانداردها، اصول و قواعد حقوق بشر بین الملل نقش بسزایی ایفا می نماید. اینترنت همچنین از مهمترین ابزار مقابله با عدم تسامح از طریق گشودن راههای پیام رسانی دو طرفه، توانمند کردن افراد برای انتشار آزاد اطلاعات در سراسر جهان و تشویق به اقدامات دسته جمعی برای محو پدیده هایی نظیر بیان تفرانگیز، تبعیض نژادی و استفاده تجاری و جنسی از زنان و کودکان می باشد."

وی درخصوص سوءاستفاده از اینترنت می گوید: "قصد دارد تا با همکاری با سازمانهای بین المللی و ملی ممانعت نماید از اینکه اینترنت تبدیل به یک "پناهگاه امن" (۵) برای اعمال تهدید کننده حقوق بشر گردد." (۶)

ج) آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات به عنوان قسمی از آزادی بیان که در اکثر اسناد حقوق بشری پذیرفته شده است. بویژه اینکه در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر حجم عظیمی از دعاوی به این حق ارتباط می یابد. آزادی مطبوعات را در دو معنا به کار برده اند. "الف) معنای عام: عبارت

است از جستجو، جمع آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آنها، انتشار آزاد روزنامه ها، پخش آزادانه برنامه های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه های یاد شده را در بر می گیرد^(۷) این معنا، در واقع با مفهوم عام آزادی بیان، برابری می کند.

”ب) معنای خاص: عبارت است از نشر آزاد روزنامه ها، بدون هیچگونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش بینی دقیق ضوابط و مسئولیتهای قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنان در دادگاههای عادی با حضور

حاکمیتی ممنوع کرده و ابراز داشت که این مجازات منجر به نوعی سانسور خواهد شد که از هر نوع انتقاد در مطبوعات جلوگیری می نماید.“^(۹)

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر درخصوص آزادی مطبوعات متضمن حقی است که براساس آن هر فردی که از طریق مطبوعات یا هرگونه وسیله ارتباطی دیگر مورد انتقاد، هجو یا اتهامات نادرست قرار گیرد، بایستی پاسخ آن در همان وسیله ارتباطی درج گردد. ماده ۱۴ کنوانسیون مزبور ابراز می دارد: ”۱. هرکسی که به وسیله اظهارات و عقاید تهاجمی و نادرست منتشره در بین عموم مردم، با توسل به وسایل ارتباطی قانونی متضرر گردد، حق دارد پاسخ بگوید یا با همان وسیله ارتباطی آن را اصلاح نماید، تحت

روزنامه، سینما، رادیو و شرکتهای تلویزیونی، دارای مسئولیت شخصی خواهند بود.“

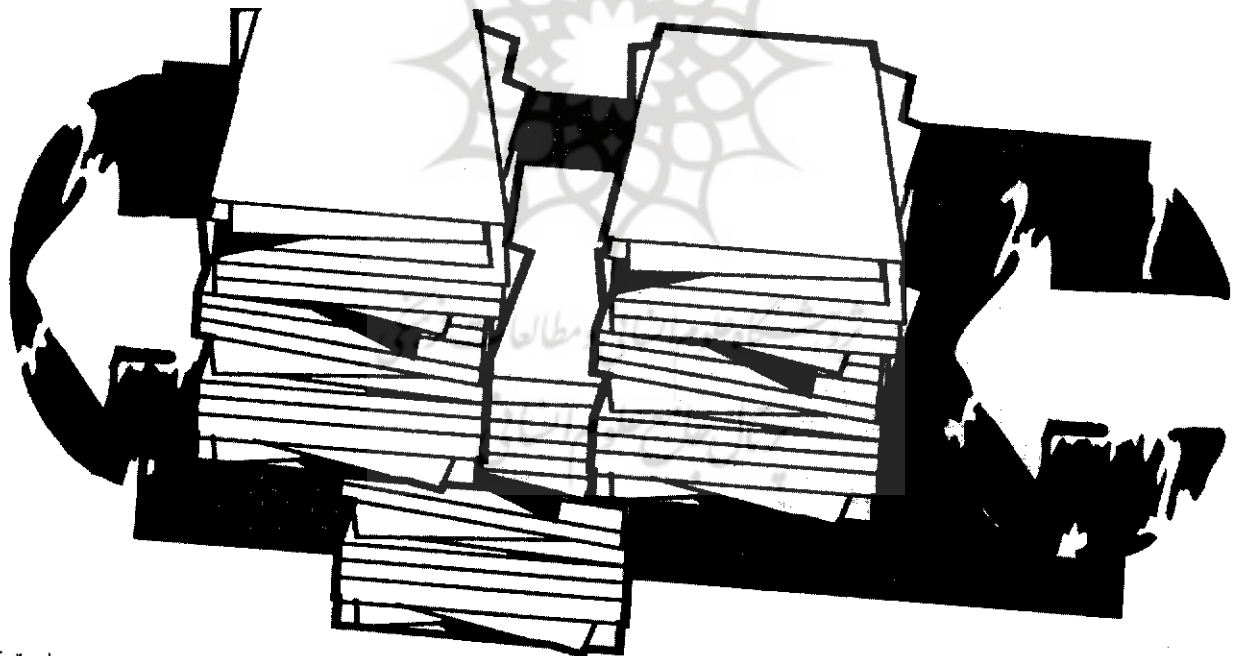
د) هنر

در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، صراحتاً از هنر به عنوان قسمی از آزادی بیان نامبرده شده و بیان عقاید و تمنیات به زبان هنر فارغ از هرگونه ملاحظات مرزی تجویز گردید. بویژه اینکه، در طول تاریخ اغلب متفکرین و اندیشمندان برای گویش عقاید و دیدگاههای خود از زبان هنر استفاده می نموده و با زبان شعر، نقاشی، موسیقی، داستان، فیلم و... با افراد جامعه سخن می گفتند. اسناد حقوق بشری نیز با اتکا بر این پیشینه تاریخی، حق مزبور را به رسمیت

یک از اسناد حقوق بشر بجز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مندرج نمی باشد. اگر چه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و در بند الف ماده ۱۰ کنوانسیون مزبور بر این حق تأکید شده ولی مشروط به مقررات دقیق تری نسبت به سایر مصادیق آزادی بیان شده است. زیرا که اخذ مجوز برای خبرگزاریها و رسانه ها را ضروری دانسته و دولتها مختار در اعطای اینگونه مجوزها می باشند. حال آنکه کسب مجوز ابتدایی برای سایر اقسام آزادی بیان تجویز نشده و حتی سانسور پیش از انتشار مطبوعات در رویه قضایی بین المللی مطلقاً ممنوع شده است.

ز) بیان تجاری^(۱۰)

تا چند سال اخیر، این طور فرض



هیأت منصفه.“^(۸)

در رویه قضایی بین المللی بیشتر این معنا مورد توجه بوده است. به طور مثال در پرونده لینگنس، دادگاه اروپایی حقوق بشر ضمن تأکید بر این حق، اعمال هر نوع مجازات بر روزنامه نگاران را به خاطر انتقاد از نهادهای

شرایطی که قانون پیش بینی می نماید. ۲. اصلاح یا پاسخ مزبور نمی تواند در هر موردی، سایر مسئولیتهای ناشی از عمل نادرست را معاف نماید. ۳. برای حمایت مؤثر از شرافت و حیثیت کسی که دارای مصونیتها یا امتیازات خاصی نمی باشد، هر ناشر،

شناخته اند و در رویه قضایی بین المللی تحت عنوان آزادی بیان به موارد مطرحه رسیده می نمایند.

ر) خبرگزاری، رادیو و

تلویزیون و شرکتهای

سینمایی

این مصداق از آزادی بیان در هیچ

می گردید که تبلیغات حرفه ای و تجاری خارج از حدود مقررات آزادی بیان قرار دارد.^(۱۱) بدین معنی که مقررات حاکم بر آزادی بیان قابل اعمال بر تبلیغات حرفه ای و تخصصی نبوده است و تبلیغات حرفه ای چه به صورت اطلاع رسانی ابتدائی و چه با

محتوا مترقی تر، محدود به قواعد مربوط به نهادهای تخصصی ذیربط می‌گردید. (۱۲)

ولی با کنکاش در روبه قضایی بین المللی و نظریه کلی کمیته حقوق بشر در می‌یابیم که این گونه تبلیغات تحت الشمول مقررات مربوط به آزادی بیان قرار می‌گیرند. در پرونده های "ژاکوفسکی" و "بار تولد" و "گاسادوکوکا" دادگاه اروپایی حقوق بشر بر این نظر تاکید نموده است. کمیته حقوق بشر نیز در یک نظر کلی در پرونده "بالتین و دیگران علیه کانادا" قواعد کلی آزادی بیان را قابل اعمال بر بیان مربوط به تجارت و حرفه خاص اعلام نمود. (۱۳)

موازین محدود کننده آزادی بیان

اگرچه حق آزادی بیان جزء حقوق اساسی افراد می‌باشد ولی مطلق و تخطی‌ناپذیر نمی‌باشد. به طور مثال ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور عام، محدودیتهایی بر کلیه حقوق مندرج در اعلامیه مقرر نموده که قابل اطلاق بر آزادی بیان می‌باشد. ماده مزبور مقرر می‌دارد: "۱... ۲... هر کس در اجرای حقوق و استیفای آزادیهای خود فقط تابع محدودیتهایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تامین شناسایی و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی... وضع گردیده است. ۳. این حقوق و آزادیها در هیچ مواردی نمی‌توانند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد، اجرا گردد."

بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین المللی نظیر: "الف) احترام به حقوق و حیثیت دیگران. ب) حمایت از امنیت ملی و

نظم عمومی. ج) اخلاق و رفاه همگانی" نموده است. همچنین ماده ۲۰ میثاق مزبور محدودیتهای دیگری بر اجرای حق آزادی بیان وارد ساخته است: "الف) هر گونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است.

مهمترین سند و اولین سند که به

صراحت حق آزادی بیان را

رسمیت بخشید، اعلامیه جهانی

حقوق بشر می‌باشد. اعلامیه

مزبور در ماده ۱۹ به خوبی حق

آزادی بیان را مورد حمایت قرار

داده و بر حق مطلق داشتن

عقیده بدون هیچگونه بیم و

هراسی و حق ابراز آن به طرق

مختلف و بدون توجه به مرز

تاکید می‌ورزد

ب) هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع می‌باشد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز محدودیتهای گسترده ای را تجویز نموده است. بند ب ماده ۱۰ این کنوانسیون بیان می‌دارد: "ب) اعمال این آزادیها، از آنجایی که اجرای آن توأم با تکالیف و مسئولیتهایی است ممکن است مشروط به تشریفات، شرایط، محدودیتهای و مجازاتیهای بشوند که ... به نفع امنیت ملی، تمامیت سرزمینی، رفاه همگانی، برای ممانعت از بی نظمی، جرم، برای حمایت از حیثیت یا اخلاق برای برای ممانعت از افشای اطلاعات محرمانه دریافتی یا حفظ اقتدار و بی طرفی قوه قضائیه، ضرورت داشته باشد."

ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی

(اصل قانونی بودن)، ب) اصل ضرورت دموکراتیک (شرط جامعه دموکراتیک)، ج) اصل عدم تبعیض، د) اصل مشروعیت (در هدف) اشاره نمود.

الف) اصل قانونی بودن

هدف از این اصل این است که تضمین این حق و آزادی جز با یک فرایند متناسب قانونی محدود نگردد. از یکسو به خاطر تضمین شکلی آن و از سوی دیگر به خاطر اصل حکومت قانون، تا اینکه افراد بدانند چه رفتاری قانونی است تا بر مبنای آن رفتار نمایند. (۱۴) بنابراین، آنچه در بدو امر لازم می‌نماید وجود قانونی است که در آن چنین محدودیتی پیش بینی گردد و تفاوتی ندارد که در قوانین موضوعه تدوین شده باشد یا اینکه در حقوق عرفی پیش بینی شده باشد. ولی "یک رویه اداری و اجرایی با فرض عمومی بودن آن یا بیان آن توسط قانون گذار، برای اثبات وجود چنین محدودیتی کفایت نمی‌نماید." (۱۵)

با این وجود، اگر چه اختیار تصمیم گیری در تعیین حدود و دامنه محدودیتها به مقامات دولتی اعطا گردیده ولی بایستی محدوده و روش اعمال چنین اختیاری به وضوح جهت حمایت افراد در مقابل مداخله خودسرانه در حقوقشان، روشن بوده و بایستی حفاظت مناسبی در مقابل تجاوز و سوء استفاده از این اختیار حاکمیتی، انجام پذیرد.

ب) اصل ضرورت دموکراتیک

در کنفرانس وین ۱۹۹۳ در زمینه حقوق بشر، وفاقی عام در خصوص ارتباط جامعه دموکراتیک با آزادی بیان حاصل گردید و بیان شد که تقویت و ترقی دموکراسی "مبتنی بر ابزار اراده آزاد افراد می‌باشد." (۱۶)

مفهوم "ضرورت" در این اصل

حقوق بشر ضمن منع سانسور ابتدائی، برخی الزامات و محدودیتهای متعاقب را مجاز می‌شمارد. در بند ۴ همین ماده سانسور ابتدائی بر برخی تفریحات عمومی را به منظور حفظ و حمایت از اخلاق کودکان و نوجوانان در دسترسی به آن، مجاز می‌شمارد و در بند ۵ تبلیغ به جنگ، تنفر نژادی، مذهبی و ترغیب به خشونت را ممنوع می‌سازد.

همان طور که ملاحظه می‌گردد، با پیش بینی این محدودیتهای، حق آزادی بیان به طور قطع جزء حقوق بنیادین و تخطی‌ناپذیر در مفهوم ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که اعمال محدودیت بر برخی حقوق حتی در شرایط فوق العاده را تجویز نمی‌نماید، نمی‌باشد البته محدودیتهای بایستی در چارچوب مکانیزمی خاص صورت پذیرد.

چارچوب حقوقی اعمال

محدودیت بر آزادی بیان

در بخش گذشته به محدودیتهای آزادی بیان در نظام بین المللی حقوق بشر به طور مختصر اشاره گردید و روشن شد که در واقع محدودیتهای گسترده ای در خصوص آزادی بیان پیش بینی شده است. اما اعمال محدودیتهای مزبور بایستی تحت شرایطی خاص اعمال گردد زیرا که اصل، آزادی بیان بوده و محدودیتها، استثنا می‌باشد و به لحاظ حقوقی "استثنائات" بایستی به طور "مضیق" تفسیر شده تا به "اصل حقوقی" لطمه ای وارد نگردد. یعنی دامنه استثنائات نباید چندان گسترده گردد که "اصل" زایل گردد. بر همین اساس، در نظام بین المللی حقوق بشر، چارچوبی معین برای حمایت از آزادی بیان و اعمال صحیح محدودیتهای مقرر شده است. از جمله این مقررات که به طور مشترک در تمامی اسناد پذیرفته شده است می‌توان به: الف) اصل حکومت قانون

بدان معنا نیست که دولت مقتدر آن را ضروری قلمداد کند بلکه آن چیزی است که به طور معقولی در "جوامع دمکراتیک"، "ضروری" قلمداد گردد. (۱۷) بنابراین جهت پذیرش اینکه آیا اعمال محدودیتی ضروری بوده یا نه، با یک پیش شرط "جامعه دمکراتیک" مواجهیم یعنی دولتی می تواند اعمال محدودیت بر آزادی بیان را تجویز نماید که دولتی دمکراتیک باشد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، صراحتاً بر عبارت "جوامع دمکراتیک" تأکید نموده و مفهوم "ضرورت" را جرح و تعدیل نموده است. نمایندگان برخی کشورها در تدوین میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در تعریف "جامعه دمکراتیک" صریحاً ابراز داشتند که "جامعه دمکراتیک، کشوری است که اصول مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت نماید".

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز تلویحاً بیان نموده که "جامعه دمکراتیک بر پایه آزادی بیان، بنیان می یابد و با "تسامح"، "تساهل" و "تکثرگرایی" قوام می یابد، از جمله بردباری در برابر اطلاعات و عقایدی که برای کشور یا هر بخشی از جمعیت، تهاجمی و شوک آور باشند. همچنین در یک سیستم دمکراتیک فعل و ترک فعل دولت بایستی منوط به مراقبت دقیق نه تنها دستگاه قضایی و تقنینی بلکه مطبوعات و افکار عمومی باشد." (۱۸)

ج) اصل عدم تبعیض

این قید عدم تبعیض در تمامی اسناد حقوق بشری بر این عقیده استوار است که برخورد تبعیض آمیز با اشخاص به واسطه ویژگی خاص آنها یا تعلقشان به یک گروه خاص، مطابق با اصل برابری نمی باشد. قید مزبور می تواند عام یا خاص بر حقوق افراد باشد

و از نظر برخی، مهمترین قاعده در نظام بین المللی حقوق بشر می باشد. (۱۹)

این اصل که به زعمی می توان آن را "اصل برابری" نیز نامید دارای تاریخی طولانی در حقوق داخلی برخی کشورها می باشد، حتی قبل از اینکه حقوق طبیعی در قرن ۱۷ ظهور یابد، وجود داشت. اما این اصل به عنوان یک اصل کلی در حقوق بین الملل تا قبل از پذیرش منشور ملل متحد، به رسمیت شناخته نشده بود. (۲۰)

این اصل بعد از منشور در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین، کنوانسیونهای منطقه ای حقوق بشر، کنوانسیون محو هرگونه تبعیض نژادی، اعلامیه و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مورد تأکید قرار گرفت.

اما مسأله اساسی، چگونگی ارتباط این اصل با حق آزادی بیان می باشد. همانگونه که از اسناد مختلف مستفاد می گردد، کلیه کشورهای عضو بایستی به صورت مساوی و بدون هرگونه تبعیض، حقوق مندرج در اسناد مزبور را اعمال نمایند. از جمله این حقوق، آزادی بیان می باشد و همه افراد جامعه می توانند بدون هیچ گونه تبعیضی از لحاظ رنگ، جنس، نژاد، زبان، اصالت اجتماعی و... از این حق متمتع گردند. حتی در شرایط اضطراری که حیات جامعه به مخاطره افتد، همه به طور مساوی از اعمال این حق محروم خواهند شد. ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ابراز می دارد: "در شرایط اضطراری که تهدید به حمایت و زیست ملت رسماً (از جانب دولتها) اعلام شده باشد، اعضای متعاقد این کنوانسیون می توانند اقداماتی را بعمل آورند که تخطی از مقررات این کنوانسیون باشد، اما تا حدی که دقیقاً برای آن وضعیت ضروری باشد.

مشروط بر اینکه چنین اقداماتی مغایر با تعهدات دولتها مطابق حقوق بین الملل نبوده و منجر به تبعیضی، منحصرأ بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و اصالت اجتماعی نشود." بنابراین اصل عدم تبعیض، اصل اساسی در نظام بین المللی حقوق بشر بوده و در هنگام برخورداری از حقوق و چه در هنگام محرومیت از آن، بایستی به نحو تساوی، اعمال گردد.

د) اصل مشروعیت (در هدف)

همانگونه که پیشتر گفته شد، هر نوع محدودیت وارده بر آزادی بیان باید در جوامع دمکراتیک برای سلامت و رفاه همگانی، حفظ نظم عمومی و امنیت ملی یا برای حمایت از حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد. در نتیجه، دولتها نمی توانند به سادگی استدلال کنند که عمل آنها به منظور

بیان نمی باشد. همچنین ادعای یک کشور براساس سنت و ارتباط تاریخی یک محدودیت با آزادی بیان، پذیرفته نیست و این ارتباط تاریخی دلیل بر مشروعیت اجرای محدودیت مزبور نمی باشد. (۲۱)

بنابراین، علیرغم اینکه دولتها "اختیار ارزیابی" در اجرای محدودیتها را دارا می باشند. اما بایستی این ارزیابی با بنیانی حقوقی و هدفی مشروع استوار گردد و ابتناء بر دلایلی که منطبق بر حقوق بشر نبوده و با کرامت و حیثیت انسانی نامتناسب باشد، از دیدگاه اسناد حقوق بشر، ممنوع می باشد.

ملاحظات پایانی

آزادی بیان در یک نگرش جدید (Hohfeld) از میان انواع حق در معنای "حق - آزادی" - right - liberty) به کار رفته شده است. از

این منظر هر شخصی حق دارد محتوی ذهن خود را آشکار سازد و در برابر فرد دیگری تکلیفی بر عدم بیان ذهن خود یا تکلیف به بیان خاص ندارد و به همین لحاظ یک امتیاز برای فرد محسوب شده و به حق - امتیاز تعبیر شده است. (۲۲)

همچنین آزادی بیان از شقوق حقوق مدنی و سیاسی بوده و متعلق به فرد انسان که در قبال دولت استناد

"بیان" عبارتست از بروز تبلور اندیشه ها،

تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن. این

گونه تبلور مکونات ذهنی انسان می تواند به

شکل نوشتن، هنر، سخنرانی کردن و... تخطی

یابد

تعقیب منافع کشور ضروری بوده است بلکه بعلاوه بایستی ثابت نمایند که این عمل دارای "هدف مشروع" می باشد. برای مثال قانونی که هدفش واقعاً حمایت از نظم عمومی است برای توجیه این محدودیت دارای هدف مشروع می باشد. ولی قانونی که هدفش پیشرفت علوم تجربی است مبنای صحیحی جهت نقض آزادی

Evans. Oxford, ۱۰۰۲, p.۸۳۱
-tion on human rights; Carolyn
under the European conven
۱. freedom of religion
Nijhof publisher, ۸۹۹۱
Sevenssan-Maccarty, Mortinus
of exception, Anna-Lena,
law of human rights and states
۵۱. The international
-tion, ۵۲ June ۱۹۹۱, p.۵, para ۸
declaration and programe of ac
۶۱. Viena
quarterly vol. ۰۲, p.۲۲, ۸۹۹۱
security and ...; human rights
principles on national
to: The Johannesburg
۷۱. Sandra Coliver Comentary
۸۱. Ibid, p۸۲
۱۹. نک. برای مثال به ماده های
۴.۷.۱۰.۱۶.۱۸.۲۱.۲۳.۲۶
سیاسی.
Universal declaration, p.۶۷
۰۲. The
Freedom of religion, opcit
۱۲.
۲۲. جرمی والدرون، ترجمه دکتر محمد
راسخ، "فلسفه حق"، فصلنامه مفید بهار ۷۹،
ص ۹۵.

**در کنفرانس وین ۱۹۹۳ در زمینه حقوق بشر،
وفاقی عام بر خصوصاً ارتباط جامعه دمکراتیک
با آزادی بیان حاصل گردید و بیان شد که حقوق
و ترقی دمکراسی مبتنی بر الزام آزادی افکار
می باشد.**

۱۶. E/CN.۴/۱۹۹۱/۴۶.۲
۷. دکتر کاظم معتمدنژاد، حقوق
مطبوعات، جلد یکم، ص ۲۴.
۸. پیشین.
Judgment of ۸ July ۱۹۹۱
۹. Lingens V. Austria.
۰۱. Commercial Speech
Oxford, ۶۹۹۱, p.۴۵
Clarendon Paperbacks,
of speech; Eric Barendt,
۱۱. Freedom
۲۱. Ibid
Joseph, Jenny Schaltz and
civil and political right's, Sarah
The international covenant on
۳۱.
۱. The Universal
۲. Ibid, p.۴۹۳
۳. اصول زوهانسبورگ در خصوص
امنیت ملی و آزادی بیان و دستیابی به
اطلاعات، در اول اکتبر ۱۹۹۵ تهیه شد. این
اصول نتیجه فعالیت مرکز بین المللی علیه
سانسور، با همکاری مرکز مطالعات کاربردی
حقوق از دانشگاه ویت و انترزنت است که با گرد
هم آوردن گروهی از متخصصین حقوق بین
الملل، امنیت ملی و حقوق بشر، در آفریقای
جنوبی محقق شد.
U.N.DOC.E/CN.۴/۱۹۹۱/۲۹
۴.
۵. Safe haven
January ۱۹۹۹

است و از این رو دولت بایستی از
ورود به قلمرو آن خودداری بورزد.
بعلاوه، آزادی بیان همچنان که بیشتر
ذکر گردید، از حقوق بنیادین و تخطی
ناپذیر نبوده، بلکه استثنای پذیر و
مستثنیات آن نیز در پرتو اصولی معین،
قابل اعمال می باشند.
در نهایت، ما با حقی رو به رو
هستیم که علیرغم آنکه زیربنای
تحقق و اساس دمکراسی و پیشرفت
آن قلمداد شده، در عین حال
تاثیرگذاری حاکمیت بر آن انکار ناپذیر
است ولی این تاثیرگذاری مشروط به
دمکراتیک بودن جامعه می باشد.
در نتیجه، آزادی بیان و جامعه
دمکراتیک لازم و ملزوم یکدیگرند زیرا
که قدم اول در بهره مندی از حق
مزبور، وجود جامعه دمکراتیک می
باشد گو اینکه یکی از شروط اساسی
دمکراتیک بودن جامعه، تحقق آزادی
بیان در آن جامعه می باشد.
پی نوشتها
Nijhof Publisher, ۹۹۹۱. p.۳۹۳
and Asbjørn Eide, Martius
by Gudmundur Alfredsson
laration of human rights, Edited

**موسسه یاوران نشر صبا
(شماره ثبت ۱۲۳۷۱)**

ما آمادگی داریم به استادان حقوق، قضات، وکلای دادگستری، کارآموزان وکالت، دانشجویان حقوق
و ناشران حقوقی خدمات زیرا را ارائه دهیم:

- ویرایش متون حقوقی تالیفی و ترجمه ای
- تایپ و حروفچینی انواع کتاب جزوه،
- گزارش کار آموزی و پایان نامه تحصیلی
- ترجمه غیر رسمی کتب و مقالات حقوقی
- جستجوی اینترنتی در سایت های حقوقی

با تخفیفات ویژه و دریافت و تحویل رایگان

نشانی: روبروی در اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخر رازی، روبه روی منشور دانش پلاک ۲۶ واحد ۶
تلفن: ۶۴۱۳۲۷۰